

هزینه‌ها صورت پذیرد که البته قیمت‌گذاری بر اساس هزینه، طبقه‌بندی‌های متفاوتی دارد. من معتقدم که ابتدا باید هزینه‌های تولید و سپس هزینه پالایش را محاسبه کنیم و پس از آن، هزینه انتقال و توزیع را به آن اضافه کنیم تا به این ترتیب، سوبسید را حذف کرده باشیم. حال وظیفه دولت این است که برای قیمت‌تصمیم‌گیری نموده و مشخص کند چه قیمتی مناسب شرایط داخلی است. البته نباید سوددهی شرکت‌های زیرگروه را فراموش کرد، چرا که قیمت‌گذاری غیرمنطقی می‌تواند به خروج بنگاه‌ها از صحنه فعالیت منجر شود. همچنین در زمینه قیمت‌گذاری، دولت باید بین ارزش ذاتی و یارانه تفکیک قابل شود. در غیر این صورت، دچار اشتباه بزرگی شده و اقتصاد را با مشکل مواجه خواهد ساخت.

● در کشور ما مقوله انرژی - و به طور خاص بنزین - به یک مسأله بغرنج تبدیل شده و اثر منفی روانی حاصل از نوسانات و افزایش قیمت آن کاملاً در جامعه مشهود است. احتمالاً دریافت پول و توزیع مجدد آن در جامعه - به منظور افزایش قدرت خرید افراد - می‌تواند مشکل‌ساز بوده و تورم را تشدید نماید، لذا به طور حتم با پرداختن یارانه نقدی به افرادی که قدرت خرید بالایی نداشته‌اند، نمی‌توان افزایش قیمت تمام حامل‌های انرژی را جبران کرد که این خود مشکل‌ساز خواهد شد.

● در حال حاضر که مردم به ارزش واقعی بنزین پی برده‌اند، اگر قیمت این حامل کمی افزایش پیدا کند، به فوب خلیج فارس نیز خواهد رسید، چراکه در حال حاضر تفاوت چندانی با آن ندارد. اما روند قیمت‌گذاری گازوئیل کاملاً متفاوت می‌باشد. در بسیاری از کشورها، قیمت گازوئیل برابر با بنزین و حتی گران‌تر از آن است. فکر می‌کنم با تخصیص یک سوم از قیمت گازوئیل بر اساس فوب خلیج فارس و دو سوم بر مبنای هزینه‌های تولید داخلی، بتوان مشکل قیمت گازوئیل را حل کرد. البته این تغییر نباید به صورت ناگهانی رخ دهد، زیرا می‌تواند اثرات مخرب و خطرناکی در پی داشته باشد.

علاوه بر گاز، میعانات گازی هم استخراج می‌شود و اگر بخواهیم گاز را با میعانات آن به حساب آوریم، ارزش گاز برای قیمت‌گذاری به صفر و حتی زیر آن می‌رسد، زیرا میعانات گازی حاصل از استخراج، بسیار باارزش بوده و سودآور می‌باشد. من یک بار قیمت گاز را با میعانات گازی محاسبه کردم که قیمت آن - با توجه به ارزش میعانات آن - تقریباً منفی ۵ سنت شد. اما با جداسازی میعانات گازی از خود گاز، قیمت آن تقریباً حدود ۵ سنت یا همان ۵۰ تومان خواهد بود. بر این اساس، باید کل هزینه‌ها را در نظر گرفته و با توجه به ارزش ذاتی قیمت گاز، به طور تدریجی قیمت را به همان ۲۵ تا ۵۰ تومان برسانیم.

اما باید به این نکته نیز توجه داشته باشیم که در این مقوله به هیچ وجه نباید صنایع ما آسیب ببینند. کشوری همچون عربستان، سوخت گازی پتروشیمی

## نیازمند تفکر

صاحب‌نظران از قیمت‌گذاری انرژی و اثرات آن بر اقتصاد می‌گویند.

سؤالی که این روزها با طرح و بحث بر روی لایحه قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی، نقل محافل اقتصادی کشور شده است، این است که آیا باید قیمت‌گذاری بر مبنای نرخ‌های داخلی صورت گیرد یا نرخ‌های بین‌المللی؟

در این راستا، ماهنامه «اقتصاد ایران» طی یک پرسمان از استادان و صاحب‌نظران امر به بررسی این موضوع پرداخته است که سؤالات آن بدین ترتیب می‌باشند:

(۱) ارزیابی شما از لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها به خصوص در حیطه انرژی چیست؟

(۲) تحلیل شما از تعیین قیمت انرژی در سطح قیمت‌های جهانی و منطقه‌ای و تفاوت آن با قیمت‌های داخلی که بر مبنای هزینه‌های تولید و مزیت‌های ملی می‌باشد چیست؟

(۳) آیا بستر کنونی اقتصاد ایران را آماده پذیرش این طرح می‌دانید و تا چه حد آزادسازی قیمت‌های انرژی در تشدید بحران‌های اقتصادی کنونی مؤثر خواهد بود؟

(۴) برای کاهش اثرات زیان‌بار ناشی از اجرای طرح مذکور، چه راهکارهایی را پیشنهاد می‌کنید؟



### تعیین قیمت متناسب با شرایط داخلی

دکتر نرسی قربان، مدیر عامل شرکت نارکنگان و عضو هیأت تحریریه ماهنامه «اقتصاد ایران»

● در کشور ما یارانه‌های متعددی به انرژی تعلق می‌گیرد که اگرچه در بُعد اجتماعی جایگاه خاص خود را پیدا می‌کند، اما این امر از لحاظ اقتصادی به هیچ وجه توجیه‌پذیر نیست. مسأله یارانه، سالیان متمادی است که در اقتصاد ما رسوخ کرده و با آن عجین شده است و اکنون زمان آن رسیده که این معضل برطرف شود. در وهله اول، مسأله هدفمند سازی مورد پرسش قرار می‌گیرد که چنانچه محقق شود، یارانه‌های انرژی را که حذف می‌کنیم عاید چه کسانی می‌شوند؟ آیا آن را باید بین همگان توزیع کرد؟ بدیهی است حذف و هدفمندسازی یارانه‌ها باید چنان صورت گیرد که اقشار کم درآمد جامعه، کمترین فشار اقتصادی را متحمل شوند. آنچه در این راستا باید بررسی شود این است که آیا بهتر است هدفمندسازی با پرداخت نقدی صورت بگیرد یا آن که باید راه دیگری اندیشید؟ صرف نظر از برخی خدمات دولتی که به طور متوازن به همه اقشار جامعه تعلق می‌گیرد، از آنجا که توزیع ثروت بین اقشار مختلف جامعه به طور یکسان صورت

نگرفته است - که این امر به برخورداری برخی مردم از بعضی مواهب و امکانات رفاهی انجامیده و برخی دیگر از چنین مواهبی بی‌بهره مانده‌اند - ضروری است که نوع هدفمندسازی نیز متفاوت بوده و متناسب با دهک‌های درآمدی و سطح رفاهی اقشار جامعه تعیین شود تا آنچه از آن به عدالت اجتماعی یاد می‌شود، خدشه نپذیرد. البته مسأله ثابت بودن قیمت بنزین و گازوئیل در کشور ما چندان مناسب به نظر نمی‌رسد و لازم است نظیر جوامع اروپایی و آمریکا، قیمت بنزین نیز به موازات نوسانات قیمت نفت، تغییر کند، اما این مسأله هم مطرح است که در ایران، بنزین که با اختلاف قیمتی بین ۱۰۰ تا ۴۰۰ تومان عرضه می‌گردد، قیمت داخلی و مالیات‌هایی را شامل می‌شود که بر آن وضع شده است.

● توجه به این نکته ضروری است که قیمت نفت بر مبنای نرخ‌های جهانی است که این مسأله در مورد گاز صدق نمی‌کند و قیمت‌گذاری گاز کاملاً متفاوت است. در زمینه گاز، هر کشوری بر اساس مسایل خاص خودش تصمیم‌گیری می‌کند. به عنوان مثال تصمیمات اتخاذ شده در شرق آسیا، کاملاً متفاوت با اروپا است و یا کشور قطر طبق پیمان دلفین، قرارداد خود را بر مبنای یک دلار منعقد کرده و سالی ۲ سنت هم به آن اضافه می‌کند. اما در پیمان دلفین ۲، مبنای ۴ دلاری را در نظر گرفته است که این امر، حاکی از متفاوت بودن قیمت گاز در مقاطع و مکان‌های مختلف می‌باشد و البته این مسأله به علت بلندمدت بودن قراردادهای گازی است. قیمت‌گذاری گاز و برق - بر خلاف روش قیمت‌گذاری نفت - باید بر اساس

خود را به قیمت ۲/۶ سنت (زیر ۳ سنت) عرضه می‌کند و اگر ما قیمت ۳۰ تومان را در نظر بگیریم و بخواهیم آن را افزایش دهیم، به طور حتم قدرت رقابت را با چنین کشوری از دست خواهیم داد. البته باید قدرت سرمایه و وام‌گیری آنها را هم به آن اضافه کنیم که متأسفانه ما از آن قدرت برخوردار نیستیم. من معتقدم که اعمال جریمه در مورد مشترکان پرمصرف - و البته مصارف خانگی، نه صنایع - می‌تواند راهکار مناسبی برای صرفه‌جویی انرژی باشد. ■



### هزینه تمام شده، متفاوت با رانت

آقای دکتر حسین صادقی، عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس

● به تناسب این که هر کشوری در کدام مرحله از توسعه قرار دارد، بحث مصرف انرژی شکل خاصی به خود می‌گیرد. در مراحل ابتدایی توسعه، در واقع هنوز عرضه انرژی به اندازه کافی در سطح جامعه صورت نگرفته است، اما رشد مصرف انرژی بسیار بالا است. به تدریج و با رشد و توسعه در کشورها، رشد مصرف انرژی کُندتر می‌شود. ما در کشور طی سال‌های گذشته به علت برق‌رسانی و گازرسانی به روستاها، رشد مصرف شتابانی داشتیم، اما به تدریج این رشد کاهش یافت. اما این که چه زمانی با کاهش رشد روبه‌رو می‌شویم، دقیقاً مشخص نیست. در کنار این بحث همگانی - در مورد ما که صادرکننده نفت خام هستیم و اقتصادی وابسته به نفت داریم - باید گفت نفت خام و خام‌فروشی نفت در ایران، متأسفانه باعث بروز مشکلاتی چون بیماری هلندی شده است - که این مسأله کمتر مورد توجه مسئولین قرار گرفته است - این مشکل باعث تنبیل شدن اقتصاد شده، قابلیت رقابت اقتصادی را پایین می‌آورد، نرخ ارز را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بودجه دولت را نوسانی و بسیار حساس می‌کند. پس انرژی از جنبه‌های مختلفی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

مسائل مربوط به بودجه‌های دولت و فشار پروژه‌های عمرانی و هزینه‌های دولت و مشکلات پولی، تبدیل ارز به ریال و کسری بودجه دولت، سالیان سال باعث شده که در کشور شاهد فشار نقدینگی باشیم و اقتصاد کشور به شدت تحت فشار تورمی قرار بگیرد. به علاوه تورم ساختاری باعث می‌شود سطح عمومی قیمت‌ها به شدت افزایش یابند. از طرفی چون قیمت انرژی، نهادی و توسط دولت تعیین می‌شود، دولت نمی‌تواند در مسابقه تورم شرکت کند. دولت در سال‌های گذشته مجبور بوده است قیمت انرژی را پایین نگه دارد تا خود به تورم دامن نزند.

● کلاً در ارتباط با قیمت و قیمت‌گذاری، دو مسأله را مدنظر قرار می‌دهیم. یکی سطح عمومی قیمت‌ها است. چون انرژی در سطح کلان قیمت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سبب افزایش سطح عمومی قیمت‌ها می‌شود، توجه به این امر ضروری است. قیمت‌های انرژی از دو جزء تشکیل شده است، یک بخش آن رانت قیمت می‌باشد و بخش دیگر هزینه‌های واقعی است. در حالی که قسمت اعظم قیمت انرژی به رانت کمیابی مربوط می‌شود، نه خود هزینه‌ها. به همین دلیل، سال‌های گذشته قیمت‌های انرژی نسبت به سایر قیمت‌ها پایین‌تر بوده است. البته طی سال‌های گذشته، دولت هر سال درصدی قیمت حامل‌های انرژی را افزایش داد تا به سطح عمومی قیمت‌ها برسد، اما متأسفانه سطح عمومی قیمت‌ها با سرعت بیشتری افزایش یافت و در نتیجه باز هم قیمت‌های نسبی به زیان بخش انرژی شکل گرفت.

قیمت‌گذاری منابع تجدیدناپذیر مانند کالاهای معمولی نیست. چراکه در کالاهای تجدیدپذیر، کل دارایی را به فروش نمی‌رسانیم و هر ساله قابلیت برداشت محصول وجود دارد، اما در منابع تجدیدناپذیر، با هر برداشت از محصول، به کمیابی آن در آینده کمک کرده‌ایم. مثلاً وقتی یک بشکه نفت فروخته می‌شود بدین معنی است ما کل یک بشکه دارایی مان را می‌فروشیم. پس در مورد قیمت‌گذاری منابع پایان‌پذیر، دو جزء مطرح است، یکی هزینه‌های واقعی و دیگر رانت کمیابی. یکی از راه‌های افزایش بهره‌وری، افزایش قیمت است. اما این که افزایش قیمت چقدر بهره‌وری را افزایش می‌دهد قابل بحث است.

● با توجه به این که مسایل بخش انرژی، اقتصاد را از جوانب مختلف تحت تأثیر قرار می‌دهد، آثار و عواقب تغییر قیمت انرژی بسیار پیچیده است و بایستی در این زمینه، کار جدی و تحقیقاتی انجام شود. این مسأله عواقب متعددی به همراه دارد. اگرچه از یک طرف منجر به ایجاد منابع درآمدی برای دولت می‌شود، از طرف دیگر، به دلیل آن که مصرف‌کنندگان برای شکل‌گیری انتظارات تورمی فوق‌العاده حساس می‌باشند، انتظارات تورمی خود را شکل می‌دهند؛ خصوصاً آن که تغییر قیمت‌های انرژی در شکل‌گیری انتظارات تورمی افراد نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند و در خانوار و بنگاه‌ها منجر به بروز فشار هزینه‌ای می‌شود که در نهایت، با انتقال این هزینه‌ها از بنگاه به خانوار، سبب افزایش فشار هزینه بر روی خانوار خواهد شد. البته اگر درآمد و هزینه خانوار متناسب باشند، این افزایش قیمت تأثیر چندانی روی آنها نمی‌گذارد، اما در شرایط کنونی که درصد عمده‌ای از خانوارها - غیر از دو سه دهک - زیر خط فقر قرار دارند، بنابراین افزایش هزینه‌ها، خانوار را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

● در ارتباط با راهکارهای حل این مشکل که از اجرای این طرح به وجود می‌آید، این که قیمت‌گذاری به چه شیوه‌ای صورت گیرد، قطعاً مقوله‌ای است که

در این مورد، با توجه به ویژگی‌های اقتصاد و شرایطی که در آن قرار داریم باید تصمیم بگیریم. قیمت‌های بین‌المللی نمی‌توانند ملاک باشند. ما می‌توانیم حتی قیمت‌های بالاتر یا پایین‌تر از آن تعیین کنیم، اما قیمت‌های بین‌المللی چون با نوسان همراه است نمی‌تواند ملاک باشد، و تنها می‌تواند به نوعی در تعیین یک قیمت قراردادی مؤثر باشد. چه بسا ممکن است در مورد بعضی حامل‌های انرژی تصمیم بگیریم حتی قیمت بالاتر از سطح بین‌المللی باشد. حتی در کشورهای غربی نیز بر مبنای نرخ‌های بین‌المللی صرف در نظر گرفته نمی‌شود و در جاهای مختلف، قیمت متفاوت است. لذا نمی‌توان به این سادگی راجع به تعیین قیمت تصمیم گرفت. از طرفی از آن جهت که پیامدهای این طرح، کل اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بهتر است قبل از اجرای این طرح و قیمت‌گذاری، مسایلی چون فقرزدایی و طرح جامع انرژی - که بتواند بسترهای لازم را برای اجرای این تصمیم فراهم کند - مورد ارزیابی قرار بگیرد تا بتوانیم در مورد پیامدهای این طرح و جوانب مختلفی که به همراه دارد سخن بگوییم.

چراکه ما در بحث طرح فقرزدایی بسیار مشکل داریم. با پر کردن یک پرسشنامه نمی‌توان به صورت واقعی، جامعه هدفی را که باید یارانه‌ها به صورت نقدی به آن پرداخت شوند شناسایی کرد. ■

## گام به گام

### نگاه دکتر یحیی آل اسحاق، رییس اتاق بازرگانی و صنایع معادن تهران به افزایش قیمت انرژی

اگر در بحث آزادسازی قیمت‌ها نظام عرضه و تقاضا را محور قرار ندهیم، سایر تحولات نیز همچون اهداف سند چشم‌انداز و مبانی اصل ۴۴ با چالش مواجه خواهند شد، چراکه پایه و بنیان تمام حوزه‌های تصمیم‌گیری بر مبنای نظام عرضه و تقاضا است. در این شرایط، باید علل و عوامل تأثیرگذار را مدنظر قرار دهیم و با تصمیم عجولانه، مانع از تبعات احتمالی ناشی از افزایش قیمت شویم. در شرایط کنونی و با توجه به نفوذ بحران جهانی به کشور، به نظر می‌رسد بهترین سناریویی که می‌توان در این شرایط از آن بهره برد، اجرای مرحله‌ای لایحه آزادسازی قیمت‌ها است تا بدین ترتیب زمینه را فراهم سازیم که صنایع و تولیدات بتوانند خود را با شرایط کنونی وفق دهند، چراکه اجرای مقطعی طرح مذکور به تولیدکنندگان - که ارکان اصلی اقتصاد کشور می‌باشند - آسیب جدی وارد خواهد کرد. البته فرآورده‌هایی چون بنزین از روند تقریباً مناسبی برخوردار می‌باشند، اما محصولات همچون گاز، گازوییل و دیگر فرآورده‌های نفتی تغییرات تدریجی و مرحله‌ای را طلب می‌کنند.